

# پزشک و روح

نویسنده:

دکتر ویکتور فرانکل

مترجم:

دکتر فرخ سیف بهزاد



انتشارات درسا

## فهرست مطالب

۵	مقدمه‌ی دکتر آلپورت
۸	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	پیشگفتار
۳۳	از روان‌درمانی تا معنادرمانی
۵۷	از روانکاوی تا تحلیل وجودی
۵۷	الف – تحلیل وجودی عام
۵۷	اندر معنای زندگی
۱۰۰	اندر معنای مرگ
۱۳۶	اندر روان‌شناسی اردوگاه کار اجباری
۱۴۹	اندر معنای رنج
۱۶۳	اندر معنای کار
۱۷۹	اندر معنای عشق
۲۲۹	ب – تحلیل وجودی اختصاصی
۲۳۱	اندر روان‌شناسی روان‌نژندی اضطراب
۲۳۷	اندر روان‌شناسی روان‌نژندی وسوسی
۲۵۴	اندر روان‌شناسی مالیخولیا
۲۶۱	اندر روان‌شناسی شیزووفرنی
۲۷۳	معنادرمانی به عنوان فن روان‌درمانی
۲۷۴	نیت متناقض

۳۱۱	اندیشه‌زدایی
۳۱۹	معنادرمانی در روان‌پرشنی‌ها
۳۱۹	افسردگی درون‌زا
۳۲۳	شیزوفرنی
۳۲۵	نتیجه‌گیری
۳۲۶	از اعترافات دنبیوی تا روحانیت پزشکی
۳۴۳	یادداشت‌ها

## مقدمه‌ی دکتر آلپورت

دکتر فرانکل روانپژشک - نویسنده، گاهی از بیماران خود که دچار اضطراب‌ها و دردهای کوچک و بزرگ شده‌اند و شکوه می‌کنند، می‌پرسد: «چرا خودکشی نمی‌کنید؟» او اغلب می‌تواند براساس پاسخ بیماران، خط اصلی روان‌درمانی خویش را بیابد. در زندگی هر کسی، چیزی وجود دارد. در زندگی یک نفر عشق وجود دارد که او را به فرزندانش پیوند می‌دهد؛ در زندگی دیگری، استعدادی که بتواند آن را به کار گیرد؛ در زندگی سومی، شاید تنها خاطرات کشداری که ارزش حفظ کردن دارد. یافتن این رشته‌های ظریف یک زندگی فروپاشیده، به شکل یک انگاره‌ی استوار از معنا و مسئولیت، هدف و موضوع مبارزه‌طلبی «معنادرمانی»<sup>۱</sup> است؛ تعبیر دکتر فرانکل از «تحلیل اگزیستانسیالیستی» نوین (هستی‌درمانی).

در این کتاب، دکتر فرانکل تجربه‌ای را که به کشف «معنادرمانی» منجر شد توضیح می‌دهد. وی مدت‌ها در اردوگاه کار اجباری اسیر بود، که تنها وجود برنهاش برای او باقی ماند و بس. پدر، مادر، برادر و همسرش یا در اردوگاه‌ها جان سپردند یا به کوره‌های آدم‌سوزی سپرده شدند. خواهرش تنها بازمانده‌ی این خانواده بود که از اردوگاه‌های کار اجباری جان سالم به در برد. او چگونه زندگی را قابل زیستن می‌دانست

---

<sup>۱</sup>. logotherapy

در حالی که همه‌ی اموالش را از دست داده بود، همه‌ی ارزش‌هایش زیر پا نهاده شده بود، از گرسنگی و سرما و بی‌رحمی رنج می‌برد و هر لحظه در انتظار مرگ بود؟ او به راستی چگونه زنده ماند؟ پیام چنین روانکاوی که شخصاً با چنان شرایط خوفناکی رویارویی بوده است، شنیدن دارد. اگر فقط یک نفر بتواند به شرایط انسانی ما عاقلانه و دلسوزانه بنگرد، این شخص بی‌تردید همانا دکتر فرانکل است. واژه‌هایی که از قلب دکتر فرانکل بر می‌خیزد، بر دل می‌نشینند چون بر تجربه‌های بسیار ژرف استوار است. صادقانه و ژرف‌تر از آن است که انسان کوچک‌ترین رنگی از فریب در آن ببیند. پیام‌های او والاست و ارزنده و کارهایش به اعتبار موقعیت کنونی او در دانشکده طب دانشگاه وین، و به علت آوازه‌ی درمانگاه‌های «معنادرمانی» که امروزه در بسیاری از سرزمین‌ها با الگوبرداری از درمانگاه چندمنظوره‌ی معروف عصب‌شناسی او در وین فعالیت می‌کند، شهرت جهانی دارد.

انسان نمی‌تواند نظریه و شیوه‌ی کار دکتر فرانکل را با کار زیگموند فروید مقایسه نکند، چراکه هر دو پژوهش ابتدا به طبیعت و درمان «روان‌نژنده‌ها» توجه داشتند. فروید ریشه‌ی این «اختلال‌های» پریشان‌کننده را در اضطرابی می‌یابد که بر اثر انگیزه‌های تعارضی و ناآگاهانه به وجود آمده است. اما فرانکل روان‌نژنده‌ها<sup>۱</sup> را بر چند نوع می‌داند و برخی از آنها را روان‌نژندي معنازاد،<sup>۲</sup> نتیجه‌ی ناتوانی بیمار در پیداکردن معنا و مسئولیتی در زندگی خویش می‌داند. فروید بر ناکامی در زندگی جنسی تأکید دارد، اما فرانکل بر ناکامی در معناظلی، امروزه در اروپا روان‌شناسان و روان‌پژوهان آشکارا از فروید روی برگردانده و به هستی درمانی روی آورده‌اند که مكتب معنادرمانی یکی از آنهاست. یک از

۱. Neurosis

۲. noogenic neurosis

ویژگی‌های دیدگنجای فرانکل این است که هرگز فروید را رد نمی‌کند، بلکه روش خود را بر آنچه او انجام داده است بنا می‌نهد. او حتی با سایر شکل‌های هستی درمانی نیز سرستیز ندارد، بلکه به آنها خوшامد می‌گوید و با آنها از درخویشی درمی‌آید.

دکتر فرانکل به درخواست ناشر خود، بخشی مختصر ولی آشکار و گویا از اصول اساسی معنادرمانی و همچنین فهرست کتب مربوط را نیز به این زندگینامه افزوده است. گرچه درباره‌ی دو مکتب دیگر وین یعنی فروید و آدلر نوشتۀ‌های بسیاری به زبان انگلیسی موجود است، بیشتر عناوین منتشرشده‌ی مکتب سوم وین در رشته‌ی روان‌درمانگری (معنادرمانی) به طور عمده به زبان آلمانی چاپ شده است. از این‌رو جا دارد خواننده از دکتر فرانکل که این کتاب را به زبان انگلیسی نگاشته است سپاسگزار باشد.

فرانکل برخلاف بسیاری از هستی‌گرایان اروپایی نه بدین است و نه ضد沫ذهب. بلکه بر عکس، نویسنده‌ای که خود شاهد همه‌ی رنج‌ها و نیروهای شیطانی شکنجه بوده، به خوبی به توانایی بشر در چیره‌شدن بر شرایط موجود و کشف حقیقتی روش‌نگر و بسنده آگاهی دارد.

خواندن این کتاب را که واژه‌هاییش چون گوهر می‌درخشد و بر ژرف‌ترین مشکلات بشر می‌تابد، از همگان خواستارم؛ زیرا کتابی است دارای ارزش ادبی و فلسفی، و پیشگفتاری است پرجذبه بر ارزنده‌ترین جنبش روان‌شناسی روزگار ما.

گودرون و. آلپورت

## مقدمه‌ی مترجم

بیش از پانزده سال است که با نوشه‌های فرانکل آشنایی دارم. آشنایی ام با این نوشه‌ها از بیمارستان معتادان و نک شروع شد. یاد و روانش به خیر باد، بیماری که کتاب حاضر را به من هدیه کرد. آن روزها باد غرور جوانی امکان لذت روحانی از زندگانی نمی‌داد. سال‌های آخر دانشکده را می‌گذراندم و از دوگانگی فکری مادی‌گرایی و معنوی‌گرایی در رنج بودم. نمی‌دانستم در آینده چگونه با بیماران روبه‌رو شوم. آیا طبایت را صرفاً حرفة‌ای نان و آبدار بدانم، یا آنکه از نان و آب حرفة‌ی پزشکی چشم بپوشم و تنها به تسکین آلام جسمی و روحی بیماران توجه کنم؛ اصولاً کار من به عنوان پزشک چه معنا دارد؟ آیا به کار بردن تمام فوتوفن‌هایی که در دانشکده آموخته‌ام، کار طبایت را تمام می‌کند؟ آیا پزشک باید نقشی ویژه داشته باشد؟

در مقاله چهارم مقاله‌ی نظامی عروضی در علم طب و هدایت طبیب می‌خوانیم:

طب صناعتی است که بدان صناعت صحت در بدن انسان نگاه دارند، و چون زایل شود باز آرند و بیارایند او را به درازی موی و پاکی روی و خوشی بوی و گشادگی. اما طبیب باید که رقیق‌الخلق، حکیم‌النفس، جیدالحدس باشد. و حدس حرکتی باشد که نفس را

بود در آراء صائبه، اعنی که سرعت انتقالی بود از معلوم به مجھول، و هر طبیب که شرف انسان نشناسد رقیق‌الخلق نبود، و تا منطق نداند، حکیم‌النفس نبود، و تا مؤید نبود به تأیید الهی جید‌الحدس نبود، و هر که جید‌الحدس نبود به معرفت علت نرسد...

... تا تأیید الهی به استصواب او همراه نبود فکرت مصیب نتواند بود و تفسره را نیز همچنان الوان و رسوب او نگاه داشتن و از هر لونی بر حالتی دلیل گرفتن نه کاری خرد است. این همه دلایل به تأیید الهی و هدایت پادشاهی مفخرند...

... و تا طبیب منطق نداند و جنس و نوع نشناسد در میان فصل و خاصه و عرض فرق نتواند کرد، و علت نشناسد، و چون علت نشناسد، در علاج مصیب نتواند بود...

به کاربردن تمام فوت‌وفن‌های پزشکی به معنای انجام طبابت نیست؛ حرفة‌ی پزشکی صرفاً چهارچوبی به دست می‌دهد که پزشک در این چارچوب، به طور مدام مجال‌هایی می‌یابد تا از راه تمرین مهارت‌های حرفة‌ای خویش ارضا شود. معنای کار پزشک در آنچه وی در ورای وظایف پزشکی خالص خود انجام می‌دهد نهفته است. این معنا همان چیزی است که پزشک به عنوان یک شخصیت، به عنوان یک موجود انسانی در کار خود اقامه می‌کند و موجب می‌شود تا هر پزشک، برای خویش نقشی ویژه داشته باشد.

در تمام اعمال طبی، مسئله‌ی اصلی حفظ سلامت یا بازیابی آن است. مشکلات ارزشی اعمال طبی تنها در رابطه با درد بی‌درمان با وجود شرایط خودکشی، با درنظرگرفتن عمل‌های جراحی پرخطر، حادتر می‌شود — ولی آیا کار پزشک تنها به درمان جسمی محدود می‌شود؟ آیا هنگامی که جراح، عمل قطع عضو را به پایان می‌رساند و دستکش از

دست درمی‌آورد، کارش پایان یافته است؟ آیا اگر همین بیمار به علت آنکه معلوم شده است، اقدام به خودکشی کند، مسئول کیست؟ و درمان جراحی قطع عضو به چه درد می‌خورده است؟ آیا هر پزشک نباید برای بیمارش تکیه‌گاهی روحانی تهیه ببیند؟

با این افکار بود که با کتاب «پزشک و روح» دکتر فرانکل آشنا شدم. با مطالعه‌ی این کتاب بود که دریافتم هیچ پزشکی نباید شخصی را که در نومیدی دست و پا می‌زند به حال خود رها کند، یا زندگی انسانی را فدای اصول نماید. پزشک نباید اجازه دهد بیمار سقوط کند. حرقه‌ی پزشک، امکان‌دادن به بیمار، در دسترسی به تصمیمات است؛ او باید ظرفیت بیمار را برای اتخاذ تصمیم افزایش دهد.

آن که خود را پزشک می‌داند و از فلسفه تهی است و از آن چیزی نمی‌داند، موجودی عاجز است؛ ولی باید پرسید آیا پزشکی که خود را در حد فیلسوف می‌داند، اجازه دارد دیدگاه‌های فلسفی خود را در درمان اعمال کند؟

فرانکل خود معتقد است که:

«هر پزشک خوب ناآگاهانه معنادرمانگر است. ولی اگر معنادرمانی چیزی بیش از آگاه‌ساختن، روشن‌کردن و روش شناختن را عرضه نکند — که پیش از این با کشف و شهود و بدیهه‌سازی حاصل می‌شد — باز هم به خودی خود دستاوردي ارزشمند است. زیرا، تنها همین واقعیت در خودآموختن و آموزش‌پذیر بودن کافی است.»

و به این ترتیب است که دکتر فرانکل معنادرمانی را وظیفه‌ی هر پزشکی می‌داند و رشته‌ای دیگر از پزشکی را با آن همراه می‌کند که در اصطلاح «روحانیت پزشکی» نامیده می‌شود. وی خود در این باره می‌گوید: «آن گاه که معنادرمانی یا تحلیل وجودی را به کار می‌بریم، پزشک هستیم و آرزومندیم پزشک هم باقی بمانیم. ما خیال رقابت با روحانیون

را نداریم. ولی می‌خواهیم دایره‌ی فعالیت پزشکی را گسترش دهیم و تمام امکانات درمان طبی را در دسترس داشته باشیم.»

به‌این‌ترتیب با خواندن کتاب «پزشک و روح» دکتر فرانکل معنای کارم را یافتم. بارها این کتاب را مطالعه کرده و از آن لذت برده‌ام و دریغم آمد که هموطنانم از قرائت این کتاب جالب بهره نبرند.

از جنگ جهانی دوم به بعد، مکتب جدید روان‌درمانی — یعنی روان‌پزشکی وجودی — مورد توجه جهانیان واقع شده و در افکار مردم تأثیر فراوان گذاشته است. بسیاری از صاحب‌نظران این رشته را بارآورتین پیشرفت در زمینه‌ی پزشکی از بعد فروید و آدلر می‌دانند. معنادرمانی یا تحلیل وجودی یکی از جنبش‌های اساسی در چارچوب درمانی جدید است.

بنیانگذار این رشته‌ی علمی دکتر ویکتور فرانکل، روان‌پزشک نامی است که مدت‌ها رئیس بخش اعصاب درمانگاه چندمنظوره‌ی وین بود. او استاد بیماری‌های اعصاب و روان‌دانشگاه وین نیز بهشمار می‌آمد. دکتر فرانکل چهارده کتاب به رشته‌ی تحریر درآورده است که همه به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند. از میان این کتاب‌ها، کتاب حاضر از این نظر که فلسفه‌ی تحلیل وجودی و معنادرمانی را آشکار می‌کند و سرشار از مباحث شیرین فلسفی است، اهمیتی خاص دارد.

دکتر فرانکل در این کتاب به‌گونه‌ای جالب توجه این روند جدید روان‌پزشکی اروپایی را به تصویر می‌کشد، رشته‌ای جدید که مورد توجه مکتب پزشکی امریکا هم قرار گرفته است.

دکتر فرانکل به سال ۱۹۰۵ در وین زاده شد و در همان شهر تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ی پزشکی و فلسفه تا اخذ دکترا ادامه داد. او تمام سال‌های جنگ جهانی دوم را در اردوگاه‌های کار